

«*۴) حدثنا محمد بن يحيى العطار ، عن محمد بن أحمد بن يحيى ، عن علي بن إسماعيل ، عن صفوان ، عن عبد الرحمن بن الحجاج ، عن سمعه - وقد سماه - عن أبي عبد الله عليه السلام قال : سألته عن الزكاة ما يأخذ منها الرجل؟ وقلت له : إنه بلغنا أن رسول الله صلى الله عليه وآله قال : أيما رجل ترك دينارين فهما كى بين عينيه. قال : فقال : أولئك قوم كانوا أضيافاً على رسول الله صلى الله عليه وآله فإذا أمسى قال : يا فلان اذهب فعش هذا. فإذا أصبح قال : يا فلان اذهب فغد هذا. فلم يكونوا يخافون أن يصبحوا بغير غداء ولا بغير عشاء فجمع الرجل منهم دينارين ، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله فيه هذه المقالة ، فإن الناس إنما يعطون من السنة إلى السنة فللرجل أن يأخذ ما يكفيه ويكفى عياله من السنة إلى السنة.»^۱

ترجمه:

۱. از امام صادق (ع) سؤال شد که مرد چقدر زکات می گیرد (اگر مستحق است)؟ با توجه به اینکه پیامبر (ص)؛ هر کس دو دینار نگه دارد، آن دو داغی بین دو چشم او هستند [پس معلوم می شود که اگر بیش از ۲ دینار داشته باشد، مورد غضب است و لذا نباید در مقام اخذ زکات، بیش از دو دینار زکات به او داد]

۲. امام صادق (ع)؛ این روایت درباره قومی بوده است که مهمان پیامبر (ص) بودند وقتی شب می شد، پیامبر می فرمودند: ای فلانی برای ایشان شام بگیر. و وقتی صبح می شد، پیامبر می فرمودند ای فلانی برای ایشان ناهار بگیر و آن قوم از بی ناهاری و بی شامی، هراس نداشتند. ولی آن فلان، از آن قوم که مهمان بودند، [برای هزینه هایشان] دو دینار گرفت. و پیامبر درباره او چنین گفتند.

۳. اما مردم درآمد را به صورت سالانه تحصیل می کنند و لذا انسان می تواند آنچه برای یک سال او کفایت می کند، را نگه دارد.

ما می گوئیم:

این روایت هم ربطی به بحث ما ندارد. بلکه روایتی است که در مقام تبیین یک روایت مجمل است. و بحث ما درباره مجمل و مبین ها نیست.

«*۵) وعنّه ، عن أحمد بن محمد ، عن محمد بن يحيى ، عن حماد بن عثمان قال : كنت حاضراً عند أبي عبد الله عليه السلام إذ قال له رجل : أصلحك الله ، ذكرت أن علي بن أبي طالب كان يلبس الخشن ، يلبس القميص بأربعة دراهم ، وما أشبه ذلك ، ونرى عليك اللباس الجيد؟! قال : فقال له : إن علي بن أبي طالب (صلوات الله عليه)



كان يلبس ذلك في زمان لا ينكر ، ولو لبس مثل ذلك اليوم لشهر به ، فخير لباس كل زمان لباس أهله ، غير أن قائمنا إذا قام لبس لباس عليّ ، وسار بسيرته.^۱

ترجمه:

۱. کسی به امام صادق (ع) گفت: امیرالمؤمنین لباس خشن می پوشید و پیراهن ایشان در حدود ۴ درهم بود.

ولی شما لباس خوب دارید

۲. امام صادق (ع): آن لباس در آن روزگار، زشت نبود ولی اگر امروز علی (ع) آن لباس را می پوشید،

لباس شهرت بود. و لباس خوب در هر زمان لباس مردم آن روزگار است.

ما می گوئیم:

۱. این روایت از مصادیق مهم بحث ماست ولی در این روایت دلیل لفظی وجود ندارد، بلکه دلیل، فعل معصوم

(ع) است.

۲. دلیل اول: «لباس امیرالمؤمنین خشن بود، پس لباس خشن مستحب است» (یعنی مطابق با شأن ائمه آن

است که چنان لباسی بپوشند)

حکم واقعی: «لباس خشن اگر منکر نباشد، بی اشکال است و مستحب است»

۳. دلیل دوم: «لباس امام صادق (ع)، لباس خوب بود، پس لباس خوب مستحب است»

حکم واقعی: «لباس جید اگر لباس اهل زمان باشد، مستحب است»

۴. رابطه بین دو موضوع در دلیل اول، عموم و خصوص مطلق است (لباس خشن / لباس خشن غیر منکر)

و در دلیل دوم، عموم و خصوص من وجه است (لباس خوب / لباس متعارف)

* (۶) «وعن علی بن ابراهیم ، عن هارون بن مسلم ، عن مسعدة بن صدقة قال : دخل سفيان الثوريّ علی أبي عبد

الله عليه السلام فرأى عليه ثياب بيض كأنها غرقى البيض ، فقال له : إن هذا اللباس ليس من لباسك ! فقال له :

اسمع منى وع ما أقول لك ، فإنه خير لك عاجلاً وآجلاً ، إن أنت متّ علی السنّة ولم تمت علی بدعة ، أخبرك

أن رسول الله صلى الله عليه وآله كان في زمان مقفر جذب ، فأما إذا أقبلت الدنيا فأحقّ أهلها بها أبرارها لا فجّارها

، ومؤمنوها لا منافقوها ، ومسلموها لا كفّارها ، فما أنكرت يا ثوري ؟! فوالله إننى لمع ما ترى ما أتى علیّ - مذ

عقلت - صباح ولا مساء والله فى مالى حقّ أمرنى أن أضعه موضعاً إلاّ وضعتّه»^۲

ترجمه:

۱. وسائل الشیعه (ط - آل البيت)، ج ۵، ص ۱۷، ح ۷

۲. همان، ص ۱۹، ح ۱۰



۱. سفیان ثوری دید که امام صادق (ع)، لباس سفیدی پوشیده است، مثل پوست نازک روی سفیده تخم مرغ

[غرقی: پوست نازک روی سفیده تخم مرغ]

۲. سفیان: این لباس، لباس شما نیست

۳. امام صادق (ع): پیامبر (ص) در زمان مُقَفَّر [بیابان خالی از طعام] و جَدْب [خشکسالی] بودند. ولی وقتی

دنیا اقبال می کند احق افراد به دنیا، ابرار هستند.

ما می گوییم:

۱. همان چه در ذیل روایت قبل گفتیم در اینجا هم مطرح می شود

۲. دلیل: «لباس رسول الله (ص)، لباس خشن بوده و همان مستحب است» (چراکه سنت رسول الله است)

حکم واقعی: «لباس خشن در وقت قحطی، مستحب است»

۳. اما حکم دوم یعنی «در هنگام وسعت، مؤمنین احق هستند»، حکم واقعی دومی است که امام (ع) مستقلاً

مورد توجه قرار می دهند.

* (۷) «وبالإسناد عن الوشاء، عن عبد الله بن سنان قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: بينا أنا في الطواف

وإذا رجل يجذب ثوبی، وإذا عبّاد بن كثير البصري فقال: يا جعفر، تلبس مثل هذه الثياب وأنت في هذا الموضع

مع المكان الذي أنت فيه من على عليه السلام؟! فقلت: فرقبی اشتريته بدینار، وكان على عليه السلام في زمان

يستقيم له ما لبس فيه، ولو لبست مثل ذلك اللباس في زماننا لقال الناس: هذا وراء مثل عبّاد.»^۱

ترجمه:

۱. در حالیکه در طواف بودم، کسی لباس مرا گرفت، دیدم عبّاد بن كثير بصری است

۲. گفت: با نسبتی که با علی (ع) داری، آیا چنین لباسی می پوشی؟

۳. امام (ع): این لباس سفید مصری است [غرقی: پارچه سفید از منطقه قرقوب مصر] که یک دینار خریده

ام.

۴. امیرالمومنین (ع) در روزگاری بود که پوشیدن آن لباس ها برایش ایرادی نداشت

۵. و اگر من امروز چنین لباسی بپوشم، مردم می گویند من مثل عباد ریاکار هستم.

ما می گوییم:

نحوه بحث در دلالت روایت، مثل روایات قبل است.

* (۸) «الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ

مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ عَلِيًّا ع كَانَ عِنْدَكُمْ فَأَتَى بَنِي دِيَّانٍ وَ اشْتَرَى ثَلَاثَةَ أَثْوَابٍ بِدِينَارٍ

۱. همان، ص ۱۵، ح ۳



الْقَمِيصَ إِلَى فَوْقِ الْكَعْبِ وَالْإِزَارَ إِلَى نِصْفِ السَّاقِ وَالرِّدَاءَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ إِلَى تَدْيِيهِ وَمِنْ خَلْفِهِ إِلَى أَلْيَتَيْهِ ثُمَّ رَفَعَ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَلَمْ يَزَلْ يَحْمَدُ اللَّهَ عَلَى مَا كَسَاهُ حَتَّى دَخَلَ مَنْزِلَهُ ثُمَّ قَالَ هَذَا اللَّبَاسُ الَّذِي يَنْبَغِي - لِلْمُسْلِمِينَ أَنْ يَلْبَسُوهُ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ وَ لَكِنْ لَا يَقْدِرُونَ أَنْ يَلْبَسُوا هَذَا الْيَوْمَ وَلَوْ فَعَلْنَاهُ لَقَالُوا مَجْنُونٌ وَلَقَالُوا مُرَاءٍ وَاللَّهِ تَعَالَى يَقُولُ - وَثِيَابَكَ فَطَهَّرْ قَالَ وَ ثِيَابَكَ ارْفَعْهَا وَ لَا تَجْرَهَا وَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا كَانَ هَذَا اللَّبَاسُ»^۱

ترجمه:

۱. امام صادق (ع): امیرالمؤمنین (ع) از بنی دیوان ۳ لباس به یک دینار خرید، یک پیراهن تا بالای قوزک پا، یک شلوار تا نصف ساق و یک عبا که از جلو تا روی سینه اش بود و از پشت تا روی کمر
۲. امیرالمؤمنین (ع) فرمود، مسلمانان باید چنین لباس بپوشند
۳. امام صادق (ع): امروز مسلمانان نمی توانند چنین بپوشند و اگر چنین بپوشند مردم می گویند که این فرد دیوانه است و یا می گویند ریاکار است.

ما می گوئیم:

نحوه بحث در دلالت روایت همانند روایات قبل است

«* (۹) عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي بَكْرِ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ : سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لَسِيرَةُ عَلِيٍّ ع فِي أَهْلِ الْبَصْرَةِ كَانَتْ خَيْرًا لِشِيعَتِهِ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ إِنَّهُ عَلِمَ أَنَّ لِلْقَوْمِ دَوْلَةً فَلَوْ سَبَّاهُمْ لَسَبَّيْتُ شِيعَتَهُ قُلْتُ فَأَخْبَرَنِي ع الْقَائِمُ ع يَسِيرُ بِسِيرَتِهِ قَالَ لَا إِنَّ عَلِيًّا ص سَارَ فِيهِمْ بِالْمَنْ لِلْعِلْمِ مِنْ دَوْلَتِهِمْ وَإِنَّ الْقَائِمَ عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ يَسِيرُ فِيهِمْ بِخِلَافِ تِلْكَ السَّيْرِ لِأَنَّهُ لَا دَوْلَةَ لَهُمْ»^۲

ترجمه:

[اگر اسیر می گرفت، آنها هم اسیر می گرفتند]

ما می گوئیم:

۱. دلیل: «از اهل خلاف اسیر نگیرید»
- حکم واقعی: «از اهل خلاف اگر باعث مشکلی برای شیعیان می شود، اسیر نگیرید».
۲. رابطه دو موضوع، عموم مطلق است.

۱. کافی (ط - الاسلامیه)، ج ۶، ص ۴۵۵، ح ۲

۲. همان، ج ۵، ص ۳۳، ح ۴

«أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنِ السَّرَّادِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنِّي أَبِيعُ السِّلَاحَ قَالَ لَا تَبِعْهُ فِي فِتْنَةٍ»^۱

ما می گوئیم:

۱. حضرت امام خمینی درباره بحث های مربوط به بیع سلاح، مفصلاً در جای خود می گویند که موضوع

این روایات از ابتدا موکول به مصلحت است

۲. توجه شود که درباره این روایت، آنچه در ذیل روایت سوم آوردیم، قابل طرح است.

«وإِسْنَادُهُ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَمْرَانَ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : قَالَ : إِنْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَهَى أَنْ تَحْبِسَ لِحُومِ الْأَضَاحِيِّ فَوْقَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ .

أَقُولُ : حَمَلَهُ الشَّيْخُ عَلَى أَنَّهُ نَهَى عَنْ ذَلِكَ ثُمَّ أَذِنَ فِيهِ لَمَّا مَرَّ ، وَيُمْكِنُ الْحَمْلُ عَلَى الْكَرَاهَةِ»^۲

ما می گوئیم:

۱. دلیل: «حبس گوشت قربانی بیش از سه روز، جایز نیست»

حکم واقعی: «حبس گوشت قربانی بیش از سه روز اگر به آن احتیاج است، جایز نیست»

۲. موضوع دلیل حکم واقعی مقید شده ی موضوع دلیل است.

«وَعَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ ، عَنْ يُونُسَ ، عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ : سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ حَبْسِ لِحُومِ الْأَضَاحِيِّ فَوْقَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ بِمَنَى ، قَالَ : لَا بَأْسَ بِذَلِكَ الْيَوْمِ ، إِنْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَهَى عَنْ ذَلِكَ أَوْ لَا لِأَنَّ النَّاسَ كَانُوا يَوْمِئِذٍ مُجَاهِدِينَ ، فَأَمَّا الْيَوْمُ فَلَا بَأْسَ»^۳

ما می گوئیم:

نحوه بحث همانند روایت قبل است.

«وَعَنْهُ ، عَنْ أَحْمَدَ ، وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ ابْنِ مَجْبُوبٍ ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ ، عَنْ زِيَادِ بْنِ سُوْقَةَ ، عَنْ الْحَكَمِ بْنِ عَتِيْبَةَ ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ قَالَ : قُلْتُ لَهُ : إِنْ الدِّيَّاتُ كَانَتْ تَتَوَخَّذُ قَبْلَ الْيَوْمِ مِنَ الْإِبِلِ وَالْبَقَرِ وَالْغَنَمِ ، قَالَ : فَقَالَ : إِنْ كَانَ ذَلِكَ فِي الْبَوَادِي قَبْلَ الْإِسْلَامِ ، فَلَمَّا ظَهَرَ الْإِسْلَامُ وَكَثُرَتِ الْوُرُقُ فِي النَّاسِ قَسَمَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى الْوَرَقِ .

۱. همان، ج ۵، ص ۱۱۳، ح ۴

۲. وسائل الشیعة (ط - آل البيت)، ج ۱۴، ص ۱۶۹، ح ۳

۳. همان، ص ۱۷۰، ح ۵

قال الحكم : قلت : أرأيت من كان اليوم من أهل البوادی ، ما الذى يؤخذ منهم فى الدية اليوم؟ إبل؟ أو ورق؟ فقال : الابل اليوم مثل الورق ، بل هى أفضل من الورق فى الدية ، انهم كانوا يأخذون منهم فى دية الخطأ مائة من الابل يحسب لكل بعير مائة درهم فذلك عشرة آلاف ، قلت له : فما أسنان المائة بعير؟ فقال : ما حال عليه الحول.^۱

۱. [در صدر روایت راوی از حضرت باقر (ع) سوال می کند که دیه دندان چقدر است. چرا که انسان ها به یک اندازه دارای دندان نیستند، برخی ۲۸ دندان دارند و برخی ۳۲ دندان دارند. حضرت می فرمایند مطابق با خلقت متعارف مردم باید محاسبه شود که ۲۸ دندان است]^۲

۲. ترجمه: راوی به امام باقر (ع) عرض می کند که قبلاً دیگر را با شتر و گاو و گوسفند پرداخت می کردند

۳. امام باقر (ع) این مربوط به بادیه نشین های قبل از اسلام بود ولی بعد از اسلام که درهم و دینار در بین مردم شایع شد، امیرالمومنین، دیه را مطابق با ورق تقسیم کردند

۴. راوی: امروز اگر کسی از بادیه نشین ها باشد، چه چیزی را به عنوان دیه بپردازد؟ شتر یا پول؟

۵. امام باقر: امروز شتر و ورق مثل هم هستند بلکه شتر افضل است. دیه خطا، صد شتر است

۶. و به ازای هر شتر، ۱۰۰ درهم محاسبه می شود که ۱۰ هزار درهم.

ما می گوئیم:

۱. دلیل: «دیه ۱۰۰ شتر است»

۲. حکم واقعی: «دیه، چیزی است که مصداق آن، ۱۰۰ شتر است»

۳. رابطه موضوع دلیل و موضوع حکم واقعی، عموم مطلق است.

* (۱۴) « محمد بن یعقوب ، عن علی بن إبراهیم ، عن أبيه ، وعن محمد بن يحيى ، عن أحمد بن محمد جميعا ، عن ابن محبوب ، عن عبد الرحمن بن الحجاج ، قال : سمعت ابن أبي ليلى يقول : كانت الدية فى الجاهلية مائة من الابل فأقرها رسول الله صلى الله عليه وآله ، ثم إنه فرض على أهل البقر مائتى بقرة ، وفرض على أهل الشاة ألف شاة ثنية ، وعلى أهل الذهب ألف دينار ، وعلى أهل الورق عشرة ألف درهم ، وعلى أهل اليمن الحلل مائتى حلة.»^۳

ترجمه:

۱. ابن ابی لیلی می گوید که در جاهلیت، دیه ۱۰۰ شتر بود و پیامبر آن را تقریر کرد

۲. بعد برای گاودارها، دویست گاو تعیین کرد

۳. و برای و برای گوسفنددارها، هزار گوسفند سه ساله

۱. وسائل الشیعة (ط - آل البيت)، ج ۲۹، ص ۲۰۱، ح ۸

۲. ن ک: کافی، ج ۷، ص ۳۲۹

۳. وسائل الشیعة (ط - آل البيت)، ج ۲۹، ص ۱۹۳، ح ۱



۴. و برای صاحبان طلا، هزار دینار
۵. و برای صاحبان نقره، ده هزار درهم
۶. و برای اهل یمن، دویست حُلّه یمانی
۷. عبدالرحمان بن حجاج می گوید از امام صادق (ع) پرسیدم که آیا این مطلب درست است؟
۸. امیرالمومنین می فرمود اصل دیه، هزار دینار است، قیمت هر دینار ده درهم است و بقیه موارد هم مطابق با همان قیمت گذاری می شود.

ما می گوییم:

۱. از فرمایش مولی الموحدين معلوم می شود که:
دلیل نقل شده از پیامبر (ص): «دیه شتر است و ...»
اما حکم واقعی: «دیه هزار دینار است و بقیه موارد از باب مصداق است»